

شورای ملی در مسیر اهداف جمهوری اسلامی

امیر فیض - حقوقدان

این تحریر موقعت استثنائی مهمی را همراه دارد و امیدوار است که حساسیت آن بتوجه خوانندگان محترم معطوف و معقول گردد.

تحریر در بیان این واقعیت است که فعالیت بخش عمده ای از ایرانیان خارج از کشور بخصوص فعالیت های شورای باصطلاح ملی، تسطیح و هموار ساختن مسیر تبدیل نظام کشور به نظام های منطقه ای است که در دستور کار جمهوری اسلامی قرار دارد یعنی همان چیزی که ماده ۱۱ منشور شورای باصطلاح ملی! در مقام اجرای آن است.

به این سند نگاه کنید



نظام جمهوری اسلامی به سمت نظام فدرالی باید برود

در آبانماه سال ۱۳۹۱ مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی گزارش مفصلی برای رفع موانع توسعه کشور به مجلس داده است که در بخشی از آن گزارش آمده است.

علت نارسایی وعدم موفقیت برنامه های اقتصادی و عمرانی کشور تمرکز نظام معرفی شده است و برای رفع این مشکل و کارسازی و فراگیری برنامه های عمرانی «تمرکز زدائی بی دربی توصیه شده است که از دو طریق یکی تفویض اختیار و دوم برپائی دولتهای تمام عیار و منطقه ای (شامل قوه مجریه و مقننه) و شهرداریهای محلی که نظام این کشور را در چشم انداز به سمت نظام فدرالی نزدیک میکند و نظام و برنامه ریزی فعلی به مرور زمان کنار گذاشته میشود و به مناطق استان و شهرستان و شهرداریها محول میشود»

در گزارش همچنین آمده است؛ «مرکز پژوهشهای مجلس در حالی پیشنهاد تشکیل نظام فدرالی و تفویض اختیار و برپائی دولت های تمام عیار منطقه ای و محلی در نظام کشور میدهد که پیش تر از آن پارها از سوی محسن رضائی کاندیدای ریاست جمهوری دهم و دبیر تشخیص مصلحت نظام مطرح شده بود»

این تحریر التفات شمارا مستعدی است

۱- سند بالا که به توصیه قوه مقننه جمهوری اسلامی تهیه شده و نظام فدراتیو را بر مبنای دولت های تمام عیار دارای قوه مقننه و مجریه پیشنهاد میکند زمینه فکری آن از سالها قبل یعنی انتخابات سال ۸۸ در مجمع تشخیص جمهوری اسلامی به دبیری محسن رضائی مطرح بوده است و زمان مزبور درست مقارن با همان ایامی است که برای اولین دفعه مسئله فدراتیو کردن کشور در خارج از کشور مطرح شد و مدتها هم مورد نقد و اعتراض قرار گرفت.

برای جمهوری اسلامی پر واضح بود و هست که طرح تجزیه کشور آنها بصورت دولتهای تمام عیار منطقه ای با مخالفت ایرانیان وطن پرست مواجه خواهد شد و جمهوری اسلامی عامل این خطا و جنایت تاریخی شناخته میگردد.

جمهوری اسلامی که بر مبارزه ایرانیان خارج از کشور سلطه کاملاً جدی و ثابت شده دارد برنامه فدراتیو ساختن کشور را بر عهده ایرانیان خارج از کشور نهاد و همانطور که اسناد مبارزه نشان میدهد در کمال تاسف شخص اعلیحضرت اولین کسی بودند که نغمه شوم فدراتیو شدن کشور که خواست والهام جمهوری اسلامی بود را ساز فرمودند.

یعنی ایرانیان خارج از کشور در جهت زمینه سازی برای توصیه مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی دایره تجزیه کشور و فدراتیو شدن آن عامل و پیشقدم شدند، و بعد از اصرار آنها به فدراتیو کردن کشور بوده است که مرکز پژوهشهای مجلس هم خواست حضرات خارج از کشور را بصورت گزارش قانونی در آورده است.

ملاحظه کردید که در گزارش مزبور، تمرکز گرانی مانع پیشرفت و توسعه شناخته شده است، یادتان هست که در زمینه دفاع از ماده ۱۱ منشور چقدر بخصوص روی عدم تمرکز گرانی کشور حضرات صحبت کردند و آنرا از اسباب دموکراسی خواندند (مصاحبه های اعلیحضرت)

تو خود حدیث مفصل بخوان ای این مجمل

ملاحظه میفرمائید جمهوری اسلامی با چه راحتی تنها با داشتن یک یا دو عامل نزدیک به اعلیحضرت توانسته است قبل از اینکه مسئله فدراتیو کردن کشور از سوی جمهوری اسلامی مطرح شود اعلیحضرت سخنگوی جمهوری اسلامی شده اند.

چقدر این کار به آسانی ممکن میشود، ولی طرف قضیه معتقد است **هر کس که از آنطرف بیاید من به سابقه او که**

چه کرده و چه گفته کاری ندارم و او همراه من است

۲- در فاصله طرح فدراتیو کردن کشور در خارج از کشور و نتایج اعتراضات، فعالیت تجزیه طلبان و عوامل جمهوری اسلامی شدت بیشتری یافت و از آنجا که تجزیه کشورها و ایجاد حکومت های مستقل که همان سرزمین های جدا شده از کشور مادر است، سیاست جهانی امروز آمریکا است، آمریکا هم در برنامه ریزی و کمک به فعالیت تجزیه طلبان و صاف کردن جاده اجرای گزارش مرکز پژوهشها مشارکت علنی و جدی یافت و نتیجه به تشکیل شورای باصطلاح ملی! ختم شد که ماده ۱۱ آن دقیقاً زمینه و آماده سازی برای اجرای گزارش مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی است، یعنی تجزیه کشور به ایالات خود مختار با دولت های تمام عیار، با داشتن قوه مقننه و مجریه مستقل که معنای غیر از استقلال و جدائی از کشور مادر ندارد.

خطاب ابر انبان هستند

جرانارکش غول بیان شده اید

چرا دانسته و یاندانسته که دومی قابل قبول نیست برای انجام برنامه های مورد نظر جمهوری اسلامی عمله میشوید؟ آلت شده اید، می بینید که شورای باصطلاح ملی!، زیر شعار انتخابات آزاد که همان ادعای جمهوری اسلامی است و خود مختاری ایالات و اقوام و غیره که در نهایت همان فدراتیو کردن کشور است و دقیقاً منطبق با گزارش مرکز پژوهشهای مجلس جمهوری اسلامی است در حرکت است.

آیا از این درک روشن غافلید بجای اینکه به گزارش مزبور اعتراض شود و آنرا جنایتی غیرقابل تصور محسوب کرد به جا انداختن آن همت کرده اید؟

میبیند که از صغیر و کبیرمان چگونه آلت دست و نظرات و اغراض عوامل جمهوری اسلامی قرار گرفته ایم که حتی مصونیتی هم از این بابت بر اعلیحضرت و علیاحضرت هم وارد نشده است.

این شورای ملی به اصطلاح ملی! برای نجات ایران نیست، برای انجام اهداف جمهوری اسلامی است، که مشخص ترین و خطرناک ترین آنها همان فدرایتو کردن کشور است آنهم بازمینه هانی که در گزارش مرکز پژوهشی جمهوری اسلامی آمده است.

شما باور میکنید که مرکز پژوهشهای جمهوری اسلامی بدون صوابدید و دستور مقامات اصلی جمهوری اسلامی و کمیسیون تشخیص مصلحت که محسن رضائی دبیر آن است، چنین توصیه ای بنماید؟ شما سکوت مجلس و دولت و جمهوری اسلامی را نسبت به گزارش مزبور برچه چیز تعبیر میکنید؟

ما که برای نجات و ظنمان کاری نکرده ایم چرا باید بارکش غول بیابان بشویم؟! آیا شما غافلید که ماده ۱۱ منشور شورا چگونه تائید و حقانیت به گزارش مرکز پژوهش مجلس را میدهد؟! و وقتی در موضوع تجزیه کشور جمهوری اسلامی موافق است و ایرانیان خارج از کشور زیر سایه اعلیحضرت و علیاحضرت اسب جمهوری اسلامی را در تجزیه کشور نعل میکنند کدام اعتراضی، محق شناخته میشود و بار سنگین این فریب! و عاملیت را چگونه میتوان تحمل کرد؟!

فکر میکنم هرانسان شرافتمندی که از گزارش مرکز پژوهشهای مجلس مطلع شود و نیز به ماهیت جمهوری اسلامی و اقتدار ولایتی آن آگاه باشد باید وحشت کند از حمایت از شورای با اصطلاح ملی!

که در واقع شورای حمایتی جمهوری اسلامی است.